

Components of Islamic Civilization Based on the Historical Process of the Revelation of the Story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an

Somayeh Emadi ¹  Mehri Karimi ² 

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences and Hadith, University of Maarif Quran va Itrat, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

2. M.A. Graduate in Qur'anic Sciences and Hadith, Feyz al-Islam Institute of Higher Education, Khomeini Shahr, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: S.emadi64@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>

Article History:

Received: 2024-09-09

Revised: 2025-04-09

Accepted: 2025-04-15

Online First: 2025-09-14

Keywords

Islamic civilization,
Qur'anic narratives,
story of Prophet Noah,
thematic-tanzili exegesis.

Type of Article:

Promotional

Abstract: Since the teachings of the divine prophets contain the foundations for the emergence and formation of civilization, the study of Qur'anic narratives serves as one of the most important sources for uncovering these foundations. Through an analysis of these stories, it is possible to address some of the problems of contemporary societies and to identify certain components of Islamic civilization. However, as the verses and chapters of the Qur'an were revealed under specific historical circumstances-and the narratives of the prophets are no exception-different portions of these stories, relevant to the mission of the Prophet of Islam, were revealed within various chapters. Accordingly, this article, employing a thematic-tanzili exegetical style and using a descriptive-analytical and library-based method, seeks to answer the following question: which components and which sections of the story of Prophet Noah (PBUH) were revealed under what spatial and temporal circumstances, and what is the relationship between the mentioned segment of the narrative and the surrounding verses of the chapter in which it occurs? Furthermore, how does this contextualization between circumstances and the story of Prophet Noah (PBUH) reflect the components of Islamic civilization? The application of this exegetical approach to the story reveals that Qur'anic narratives were revealed in harmony with the overarching objectives of each chapter as well as the various conditions of the life of the Prophet (PBUH), the Muslims, and the opponents of Islam. All parts of the story of Prophet Noah (PBUH) appear in Meccan chapters, and from them the following components of Islamic civilization can be derived: loyalty to God and His messengers, prayer, piety, warning and glad tidings, patience in the face of repeated trials, the empowerment of the oppressed, industrial and economic strength, trust in God, and explanatory jihad through migration.

How to cite:

Emadi, Somayeh, & Karimi, Mehri. (2025). Components of Islamic civilization based on the historical process of the revelation of the story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an. *Quran, Culture And Civilization* , 6 (3), 95-118 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>

@ authors retain the copyright and full publishing rights. Licensee University of Quranic Studies and Sciences this article an open access article distributed under the term and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CCBY 4.0) <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>





دریافت: ۱۹-۰۶-۱۴۰۳
 بازنگری: ۲۰-۰۱-۱۴۰۴
 پذیرش: ۲۶-۰۱-۱۴۰۴
 انتشار آنلاین: ۲۳-۰۶-۱۴۰۴

<https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>



سمیه عمادی^{۱*}

مهری کریمی^۲

مقاله: ترویجی

چکیده

از آنجا که در تعالیم انبیای الهی زیرساخت‌های پیدایش و شکل‌گیری تمدن وجود دارد، بررسی قصص قرآنی از مهم‌ترین منابع کشف این زیرساخت‌هاست. می‌توان با تحلیل این قصص، برخی از مشکلات جوامع بشری امروز را حل کرد و به برخی از مؤلفه‌های تمدن اسلامی پی برد. ولی با توجه به این مطلب که آیات و سوره‌های قرآن در شرایط تاریخی خاصی نزول یافته و قصص قرآن نیز از این امر مستثنی نیست، هر بار بخشی از داستان انبیا که متناسب با دعوت پیامبر اسلام بوده، در خلال سوره بیان شده است. از این رو این مقاله با سبک تفسیر تنزیلی موضوعی و با روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای درصدد پاسخگویی به این مسئله است که کدام مؤلفه‌ها و چه بخش‌هایی از داستان حضرت نوح علیه السلام در چه شرایط مکانی و زمانی در سوره مختلف نازل شده است و وجه ارتباطی میان قسمت مذکور قصه با دیگر آیات سوره که داستان در آن ذکر شده، چیست؟ همچنین این متناسب‌سازی میان شرایط با محدوده قصه حضرت نوح علیه السلام، بیانگر کدام‌یک از مؤلفه‌های تمدن اسلامی است؟ کاربری این شیوه مطالعاتی در این داستان، بیانگر این نکته است که قصص قرآنی هم‌راستا با هدف سوره و شرایط گوناگون زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان و دشمنان اسلام نازل شده است. تمامی بخش‌های داستان حضرت نوح علیه السلام در قرآن در سوره مکی بیان شده است و ولایت‌پذیری خدا و فرستادگانش، دعا، تقوا، انذار و تبشیر، شکیبایی در مواجهه با امتحانات متعدد، حاکمیت مستضعفان، اقتدار صنعتی و اقتصادی، توکل به خدا و جهاد تبیین هجرت از مؤلفه‌های تمدن اسلامی است که از این داستان برداشت می‌شود.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، قصص قرآنی، داستان حضرت نوح علیه السلام، تفسیر موضوعی تنزیلی.

استناد به مقاله:

عمادی، سمیه؛ کریمی، مهری (۱۴۰۴). مؤلفه‌های تمدن اسلامی بر اساس سیر تاریخی نزول داستان حضرت نوح علیه السلام در قرآن کریم. فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۶(۳)، ۹۵-۱۱۸.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>

S. emadi64@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم قرآن، دانشکده علوم قرآن و حدیث، دانشگاه معارف قرآن و عترت، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، مؤسسه آموزش عالی فیض الاسلام خمینی شهر، اصفهان، ایران.

@نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند. صاحب امتیاز دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط Creative Commons Attribution 4.0 International توزیع شده است.



۱. مقدمه

تمدن، ظهور و بروز فرآیندی پیشرفت‌های هدفمند و نظام‌مند در یک یا چند جامعه بر اساس طرز تفکری روشن است که شکل معنادار و منضبط به خود گرفته است و جامعه را به مقصد موردنظر می‌رساند (غلامی، ۱۳۹۶، ص ۳۱). از این رو تمدن رابطه‌ای بنیادین و عمیق با دین دارد و بعثت انبیای الهی و سیر هدایتی ایشان نمایانگر این ارتباط است. بررسی اهداف بعثت انبیا در قرآن کریم و سیره عملی ایشان، نشان از پایه‌گذاری تمدن توحیدی جهت عمومی‌سازی معارف دینی و پیشرفت انسان در حوزه‌های مادی و معنوی دارد. با تحلیل دقیق قصه پیامبران و آنچه در بین امت‌های آنان اتفاق افتاده است، می‌توان بعضی از مشکلات جوامع بشری امروز را حل کرد.

این پژوهش بر این فرض است که در داستان حضرت نوح علیه السلام به عنوان اولین پیامبر اولوالعزم و صاحب شریعت الهی و طولانی‌ترین دعوت، شاخصه‌ها و چارچوب‌های نخستین تمدن‌سازی نهفته است و توجه به آن انسان سرگشته امروز را به بازسازی تمدن دینی رهنمون می‌سازد. اما با توجه به آنکه قرآن در طول بیست و سه سال در شرایط زمانی و مکانی مختلف بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، سؤالاتی پیش روی خواننده ایجاد می‌شود؛ از جمله اینکه چه بخش‌هایی از داستان حضرت نوح علیه السلام در چه شرایط مکانی و زمانی در سور مختلف نازل شده است؟ چه وجه ارتباطی بین آیات نازل شده پیرامون بخشی از سرگذشت حضرت نوح علیه السلام با شرایط خاص زمان و مکان نزول وجود دارد؟ این متناسب‌سازی میان شرایط با محدوده موضوع داستان حضرت نوح علیه السلام چه دستاوردی در راستای تبیین مؤلفه‌های تمدن اسلامی دارد؟ سیر نزولی بخش‌های این داستان به‌طور حتم حکمت‌هایی داشته است؛ مانند بسیاری از حقایق که اگر بر اساس نزول بررسی نشود، درک نادرستی از این حقایق حاصل می‌شود. لذا این امر می‌طلبد که ترتیب نزول آیات مربوط به قصص انبیا در قرآن بازشناسی شود و زمینه‌های نزول هر بخش از این آیات بررسی و از نظر محتوایی تجزیه و تحلیل گردد، تا پیامدها و نتایج قصص پیامبران در موقعیت‌های مختلف به دست آید.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش حاضر را از چند جهت می‌توان بررسی کرد:

الف) مطالعات انجام‌شده در حوزه قصص قرآن. در این حوزه تاکنون پژوهش‌های زیادی صورت گرفته که در اینجا به بیان برخی از آن‌ها به عنوان نمونه بسنده می‌کنیم؛ کتاب‌های مبانی هنری قصه‌های قرآن از سید ابوالقاسم حسینی، تحلیل عناصر ادبی و هنری قصه‌های قرآن به قلم خلیل پروینی، قصص قرآن نوشته سید هاشم رسولی محلاتی و قصص قرآن از صدرالدین بلاغی.

ب) مطالعات انجام‌شده در حوزه قصه حضرت نوح علیه السلام. در این زمینه مقالاتی چون «بررسی تفسیری درخواست حضرت نوح علیه السلام در آیه ۴۵ هود» از دیمه‌کار گراب و علی‌پور، «خوانش گفتمان داستان قرآنی حضرت نوح علیه السلام با تکیه بر نظریه کنش ارتباطی یورگن هابرماس» به قلم فسنتقوی و یاری و سلمانی، «نخستین پیامبر خدا: آدم ابوالبشر یا حضرت نوح علیه السلام» نوشته رجبی و ضیاء قریشی، «الگوی مدیریتی در سیره حضرت نوح علیه السلام» نوشته شیری و قاسمی منتشر شده است.

ج) مطالعات انجام‌شده در حوزه تفسیر تزلیلی. تفسیر بیان المعانی از سید عبدالقادر ملاحویش آل‌غازی نخستین تفسیری است که تمامی سوره‌های قرآن کریم را بر اساس ترتیب نزول سوره‌ها بررسی می‌کند. التفسیر الحدیث نوشته محمد عزة دروزه، معارج التفكير و دقائق التدبر از عبدالرحمن حسن حنبله الميدانی و همگام با وحی از عبدالکریم بهجت پور کتاب‌هایی در این حوزه هستند.

د) مطالعات انجام شده در حوزه تفسیر موضوعی تنزیلی. در زمینه بررسی موضوعی آیات بر اساس سیر نزول توسط پژوهشگران قرآنی، کتاب مهندسی فرهنگ‌سازی نماز در تفسیر تنزیلی نوشته آقای اقدم، مقالاتی مانند «روش قرآن کریم در نهادینه‌سازی حجاب و عفاف با رویکرد ترتیب نزول» نوشته زاهدی و امرایی و نظریگی، «علل طلاق و راهبردهای کاهش آن از دیدگاه قرآن کریم با روش ترتیب نزول» اثر حکیم و زاهدی فر، «ذکر و تذکر بر اساس سیر نزول قرآن کریم» نوشته شیخ بهایی و شکرانی و حاجی اسماعیلی، «سیر تحلیلی رفتار صبر به ترتیب نزول و کاربردهای آن در تربیت اعتقادی» از علاءالدین و ستوده‌نیا، «بررسی سیر تاریخی تشریح آیات زکات در قرآن کریم» از سلیمی و شکرانی، «بررسی سیر تکوینی امت‌سازی پیامبر اکرم ﷺ در سور مکی مبتنی بر تفسیر تنزیلی موضوعی» نوشته رنجبر و پایان‌نامه‌های «بررسی تحول قصه موسی ﷺ در سیر تاریخ نزول» نوشته قلعه‌نوی و «انفاق در قرآن با توجه سیر تاریخی نزول» از کریمی تبار به رشته تحریر در آمده است.

با مشاهده و بررسی تألیفات انجام شده مشخص شد، درخصوص قصص قرآن تاکنون کتاب‌های زیادی نوشته شده است؛ چه در زمینه نقل قصص قرآنی و چه در زمینه قصه‌شناسی و ویژگی‌های هنری و ساختاری قصه‌های قرآن. ولی در زمینه بررسی قصص قرآن بر اساس سیر نزول کتابی نوشته نشده است. برخی کتب تاریخی ضمن بیان قصص انبیا، صرفاً به نقل زندگی و سرگذشت حضرت نوح ﷺ پرداخته‌اند؛ ولی تاکنون کتاب و پایان‌نامه‌ای به‌طور مستقل و منسجم درباره شاخصه‌های تمدن اسلامی این داستان با رویکرد تفسیر موضوعی تنزیلی نگاشته نشده است. در این پژوهش، به حکمت‌های نهفته این قصه در شرایط و مناسبت‌های مختلف پی خواهیم برد. بنابراین بررسی و توجه به شأن نزول آیات، زمان، مکان و مخاطبان عصر نزول و پیام قصه بر اساس اهداف سوره، این پژوهش را از سایر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه متمایز می‌سازد. ضرورت این تحقیق به این دلیل است که از یک‌سو به بررسی تطور این قصه همپای تطور دعوت پیامبر می‌پردازد و از سوی دیگر به شناخت این مطلب کمک می‌کند که قرآن چگونه این قصه را به عنوان یکی از انواع شیوه‌های بیان برای کمک به این دعوت و بازسازی مؤلفه‌های تمدن اسلامی در راستای تربیت و هدایت مردم به کار می‌گیرد.

۳-۱. روش پژوهش

در این پژوهش، قصه حضرت نوح ﷺ به سبک تفسیر موضوعی تنزیلی بررسی می‌شود. «مفسر در این سبک فهم خود از آیات قرآن را بر اساس وحی تدریجی قرآن قرار می‌دهد و روابط درونی بخش‌های یک آیه و سیاق آیات را در یک سوره، با توجه به زمان و شرایط محیطی و اجتماعی نزول هر سوره یا مجموعه آیات نازل شده بررسی می‌کند و آنگاه به کشف روابط و نظام معرفتی و هدایتی سوره‌ها در زنجیره بیست‌وسه‌ساله نزول تدریجی قرآن می‌پردازد. در این روش، مفسر ساختار هندسه‌ای سوره‌ها و آیات در کنار یکدیگر را کشف می‌کند؛ بدین‌وسیله به فهم دقیق‌تر قرآن و نیز اغراض و اهداف خداوند متعال پی می‌برد» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۴۶). از این رهگذر، می‌توان نکات تربیتی و تاریخی و روش‌شناسانه را پیرامون دیدگاه قرآن درباره یک موضوع به دست آورد. استفاده از این روش فواید فراوانی دارد؛ از جمله آنکه با بررسی یک موضوع به ترتیب نزول، می‌توان به روش نهادینه کردن ارزش‌های دینی در جامعه پی برد؛ امری که با تفسیر موضوعی به روش‌های رایج، در بیشتر موارد دست‌یافتنی نیست. برای مثال کسانی که به بررسی آیات مربوط به انفاق بر اساس تفسیر موضوعی پرداخته‌اند، مواردی همچون اهمیت انفاق، انواع، موارد مصرف و موانع آن را بیان کرده‌اند؛ اما به این پرسش پاسخ نداده‌اند که چگونه و با طی چه مراحل می‌توان رفتار افراد را در رابطه با انفاق تحت تأثیر قرار داد و آن را به یک خصلت اخلاقی ارزشمند تبدیل کرد؟ با مطالعه قرآن بر اساس ترتیب نزول، می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد و فرآیندی را که طی آن رفتاری به یک رفتار اجتماعی تبدیل می‌شود، ترسیم کرد (خامه‌گر، ۱۳۸۹، ص ۲۴۲).

لازم به ذکر است که ملاک ترتیب نزول در این پژوهش، روایاتی است که در این زمینه وارد شده و از معتبرترین آن‌ها روایت منقول از عطا و ابوکریب به نقل از ابن عباس است. برخی از پژوهشگران مانند نکونام در کتاب درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲) و بهجت پور در کتاب تفسیر تنزیلی قرآن (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵) با بررسی و نقد این روایات، جدولی در این رابطه تنظیم کرده‌اند.

۲. قصه حضرت نوح در قرآن بر اساس سیر تاریخی نزول

سرگذشت حضرت نوح علیه السلام در هفت سوره بیان شده است. این سوره‌ها به ترتیب نزول به قرار زیر است:

۲-۱. سوره قمر؛ انذار و انذارپذیری

اولین سوره در سیر نزول قصه حضرت نوح علیه السلام سوره قمر است (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴). سیاق آیات کاملاً مکی بودن آن را تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۵۵). هدف و غرض این سوره پند دادن به تکذیب‌کنندگان معجزات رسولان از راه بیان سرانجام اقوام تکذیب‌کننده گذشته با تأکید بر نقش پندآموزی قرآن است (بهجت پور، ۱۳۹۴، الف، ج ۲، ص ۲۳۱). گام تحولی در این سوره با توجه به آیه «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»، توجه دادن به نقش قرآن در تذکر و دعوت مردم به موعظه‌پذیری از آن است.

موضوع آغاز سوره، نزدیک بودن قیامت و وقوع معجزه «شق القمر» و پافشاری کافران مکه بر انکار آیات قیامت و دیگر نشانه‌های الهی است؛ در ادامه، بعد از بیان موضع کفار عرب نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، در مقام تسلاهی خاطر ایشان و تهدید ضمنی تکذیب‌کنندگان ایشان، از سرانجام اقوامی سخن می‌گوید که دعوت فرستاده‌های خدا را نپذیرفتند. آنگاه بیان می‌کند که سرنوشت کفار مکه همانند اقوام انبیای گذشته است. در این آیات، داستان قوم نوح، عاد، ثمود، لوط و فرعون آمده و به استثنای داستان فرعون، داستان‌های دیگر با جزئیات بیان شده است. این روش اولین بار است که در قرآن به کار رفته و می‌تواند نشان دهد که شرایط زمانه و حکمت وحی، چنین روشی را ایجاب می‌کرد (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۸۳).

در سال‌های آغازین دعوت مردم مکه، مهم‌ترین چیزی که می‌توانست باعث تسلی قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان شود و آنان را ثابت قدم نگه دارد، نقل داستان اقوامی بود که شرایطی مشابه آن‌ها داشتند که چه‌بسا گروه اندکی از مؤمنان بر اکثریت کافران پیروز شدند. خداوند می‌فرماید: «اگر امروز تو را تکذیب می‌کنند، امری بی‌سابقه نیست. قبل از تو حضرت نوح علیه السلام از سوی قومش تکذیب شد. به او نیز نسبت جنون دادند.» (قمر: ۹) هرچند حضرت نوح علیه السلام عمری طولانی داشت و سال‌های زیادی که قومش را به خداپرستی دعوت کرد، افراد اندکی به او ایمان آوردند. گذشته از تهمت‌های زیادی که به او نسبت دادند و او را مجنون خواندند، او را تحت شکنجه و آزار جسمی نیز قرار می‌دادند. گاهی مردم آن حضرت را به قدری کتک می‌زدند که سه روز تمام بی‌هوش می‌افتاد و از گوش وی خون می‌آمد (رسولی محلاتی، ۱۳۸۲، ص ۷۰). هنگامی که نوح علیه السلام از قوم خود ناامید شد، از درگاه الهی تقاضای یاری و انتقام کرد (قمر: ۱۰). دعا یکی از افعال انبیای الهی در هنگام بروز مشکلات بوده است. در اندیشه قرآنی نیز دعا در تمدن‌سازی جایگاه ویژه‌ای دارد. در پی این دعا، خداوند بارانی شدید بر این قوم فرستاد (قمر: ۱۱). در آیات بعدی خداوند در مقام قدردانی از حضرت نوح علیه السلام برآمد و او را به وسیله کشتی محکمی در سطح دریاها به حرکت درآورد و کشتی را در حیطه قدرت خود و حفظ فرشتگان قرار داد. در واقع این حمایت خداوند از نوح علیه السلام و پیروزی بر کافران تکذیب‌گر و نجات و یاری او جزای کافران بود

(قمر: ۱۳-۱۶). این حادثه با توجه به نحوه قرار گرفتن کشتی بر سر کوه، به طور قطع و برای همیشه نشانه قدرت پروردگار است؛ تا هم تکذیب‌گران زمان پیامبر ﷺ و هم منکران و کافران امروز، با دیدن بقایای کشتی بر بامی از بام‌های زمین، شاهد قدرت پروردگار باشند (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۲، ص ۲۴۲). در اندیشه قرآنی، طبیعت و همه پدیده‌های آن برای انسان و سودرسانی به او آفریده شده است (بقره: ۲۹؛ ابراهیم: ۳۲-۳۳) تا با کاوش در آن به همراه عقل، از این منابع بهره‌برد و در ارتقای صنعتی و فناوری جامعه بکوشد. لذا اقتدار صنعتی یکی از مؤلفه‌های اساسی تمدن اسلامی است که خاستگاه و عامل ارتقای اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی محسوب می‌شود. فن کشتی‌سازی حضرت نوح علیه السلام در همین راستا قابل توجه است.

در آیه بعد، خداوند با لحنی تهدیدآمیز، خطاب به کفار و مشرکان مکه که راه کافران قوم نوح را در پیش گرفته‌اند می‌فرماید: «اکنون (بگوئید) عذاب و اندازهای من چگونه بود؟!» هدف خداوند در این آیه، ایجاد هول و هراس در دل کفار است و با این استفهام، می‌خواهد شدت عذاب و صادق بودن خود را به آنان نشان دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹، ص ۶۹). در واقع سرگذشت قوم نوح، دلیلی بر حقانیت عذاب‌ها و هشدارهای خداوند است. در آخرین آیه از داستان مورد بحث، هدف قرآن را به یاد آوردن و به یاد سپردن و پند گرفتن بیان کرده است (قمر: ۱۷). قرآن و برخورداری از کتاب الهی در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی نقش زیربنایی دارد؛ تا حدی که شکوفایی علمی مسلمانان در گذشته، برگرفته از آموزه‌های قرآنی بوده است.

۲-۲. قصه حضرت نوح علیه السلام در سوره اعراف؛ پذیرش ولایت الهی و بندگی خداوند تنها راه‌هایی از عذاب

دومین سوره‌ای که قصه نوح در آن بیان شده، سوره اعراف است که از سوره‌های مکی محسوب می‌شود. با فرض نزول سوره اعراف بعد از سوره صو قبل از سوره جن (معرفت، ۱۳۸۰، ص ۹۰؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵) و با فرض نزول سوره جن پس از بازگشت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از سفر تبلیغی طائف در سال دهم بعثت، می‌توان نتیجه گرفت که نزول سوره اعراف قبل از معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و در مکه واقع شده است. در این دوره، مشرکان مکه سخت‌ترین مخالفت‌ها را با پیامبر روا می‌داشتند و از هیچ کوششی برای جلوگیری از انتشار دعوت توحیدی ایشان کوتاهی نمی‌کردند. یک نمونه این سخت‌گیری‌ها محاصره اقتصادی سه‌ساله در شعب ابی طالب بود (یوسفی غروی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۴۰۷). در چنین شرایطی سوره اعراف نازل شد تا بار دیگر عهدی را که خداوند از آدمیان گرفته است تا او را بپرستند و چیزی را شریک او قرار ندهند، یادآوری کند. هدف اصلی این سوره، انذار جامعه نوبنیاد مؤمنان و نصیحت آنان برای پذیرش ولایت الهی و دوری از ولایت غیر خداست. تمام آیات این سوره ترکیبی از دو عنصر هشدار و پند است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۲، ص ۳۳۰). قصه حضرت نوح علیه السلام در این سوره در راستای همین هدف بیان شده است. در این سوره بعد از ذکر یک سلسله مسائل اساسی در زمینه خدانشناسی و معاد و هدایت بشر و احساس مسئولیت، به سرگذشت جمعی از پیامبران بزرگ همانند نوح و هود و صالح و لوط و شعیب و بالاخره موسی بن عمران اشاره می‌کند، تا نمونه‌های زنده این بحث‌ها را عملاً در لابه‌لای تاریخ عبرت‌انگیز آنان نشان دهد.

آیات قصه نوح علیه السلام در این سوره به چگونگی دعوت او به توحید و ترک شرک و تکذیب او توسط قومش و نزول عذاب و هلاکت آن‌ها و پیروزی نوح و پیروانش می‌پردازد. چون بحث در این سوره، ولایت و انحصار ربوبیت به خدای متعال است، اولین پیام نوح علیه السلام در این سوره، دعوت مردم به بندگی خدا و نفی بت‌پرستی است (اعراف: ۵۹) و سپس آن‌ها را از عذاب دنیوی که همان طوفان معروف نوح است و عذاب روز قیامت (ملاحویش، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، ص ۳۶۹) برحذر می‌دارد. این آیه بیانگر انگیزه عبادت کردن خداوند است؛ یعنی

اوست که باید از عذابش ترسید، نه معبودی جز خدا که آنان می پرستیدند (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۳۴). از این آیات برداشت می شود که قوم نوح به وجود خدا عقیده داشته اند؛ وگرنه در جواب «اغْبُدُوا اللَّهَ» می گفتند: ما به وجود خدا عقیده نداریم. چطور ما را به عبادت او دعوت می کنی؟ پس نزاع میان آنها در نوع پرستش خدا بود و اگر در این آیه جمله را مقید به قید نکرد و فرمود: «فقط خدا را عبادت کنید»، برای این است که بفهماند عبادت مختص خداوند است و برای غیر او سزاوار نیست و تنها اوست که شایسته عبادت است (قرشی، ۱۳۷۵ش، ج ۷، ص ۱۱۹). با توجه به آیه مورد بحث، اساسی ترین شاخصه تمدن اسلامی عبودیت و اعتقاد به وحدانیت خداوند و توحید در همه ابعاد آن است. عبودیت فقط یک عمل فردی نیست، بلکه جامعه اسلامی نیز باید در مسیر عبودیت الهی حرکت کند. در کنار دعوت به توحید، ایمان به معاد نیز یکی از مؤلفه های تمدن اسلامی است. انبیای الهی افق نگاه انسان ها را از محدوده زندگی دنیوی بالاتر بردند و آنان را با زندگی اخروی آشنا کردند.

قوم نوح نه تنها این دعوت توأم با نیک خواهی را نپذیرفتند، بلکه از فساد و بت پرستی هم دست برنداشتند. آن دسته از اشراف که منافع خود را با آگاهی مردم و یکتا پرستی در خطر می دیدند و آیین نوح را مانعی بر سر راه خود می شمردند، آشکارا در پاسخ به نوح گفتند: «إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (نوح: ۶۰). این شیوه همیشگی سردمداران کفر و سران جامعه های شرک است. این طبقه خاص همواره در طول تاریخ به غلط خود را نماینده و سخنگوی مردم قلمداد کرده اند و با پیامبران به ستیز برخاسته اند. قرآن کریم از این طبقه با تعبیرهای گوناگونی مانند «ملا»، «مترفین»، «اکابر»، «کبراء»، «ساده»، «أئمة الكفر» و «الذین أتبعوا» یاد کرده است. این گروه به خاطر حفظ منافع شخصی خود نمی خواستند وضع موجود به هم بخورد و با جبهه گیری در برابر دعوت پیامبران، مانع پیشرفت کار آنان می شدند و از هدایت مردم جلوگیری می کردند. اشراف قوم نوح او را به گمراهی آشکار متهم و او را در نظر مردم یک فرد گمراه معرفی کردند، تا این تهمت باعث دوری مردم از او شود (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۱۵). نوح ﷺ در مقابل، با شفقت و دلسوزی دست به روشنگری و تبیین و ابطال فرهنگ استکبار زد. انبیای الهی هدفی جز هدایت خلق و رضای خداوند نداشته و هیچ گاه برای ابلاغ رسالت خویش از آنان مزدی نخواستند. لذا یکی از ارکان جامعه اسلامی روشنگری و تبیین است.

در آیه بعد، هدف ارسال پیامبران از جمله نوح ﷺ را انذار مردم و دعوت به تقوای الهی بیان نموده است (اعراف: ۶۳). یکی از روش های تربیتی شهروندان جوامع متمدن استفاده از وعد و وعید است. قرآن کریم نیز از این روش بهره جسته و انسان هایی را تمدن ساز معرفی می کند که اختلافات ناشی از خون، نژاد، ملیت و مانند آن را در هم می شکنند. قرآن تقوا را تنها عامل اکرام انسان ها بیان می کند. گروهی از مردم دعوت نوح ﷺ را لیبیک گفتند و سوار کشتی او شدند و نجات یافتند و در مقابل، گروهی دیگر که سخنان او را تکذیب کردند، غرق شدند (اعراف: ۶۴). مطالعه قصص انبیا در قرآن بیانگر این مطلب است که انبیای الهی نقش اساسی در تشکیل تمدن توحیدی داشته اند؛ بدین گونه که انسان های شایسته ای را جهت تشکیل این تمدن پرورش می دادند. گویا پیامبران آمده بودند تا انسان ها را گام به گام به سوی تمدن جهانی سوق دهند و استعداد های برتر زمان خود را بشناسند و برای تشکیل تمدن توحیدی تربیت کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷)

۲-۳. قصه نوح ﷺ در سوره شعراء؛ تسلی و تثبیت قلب پیامبر ﷺ

سومین سوره در سیر نزول قصه حضرت نوح سوره شعراء است. داستان آن حضرت در این سوره تا حدودی گسترده تر از داستان ایشان در دو سوره قبلی است. این سوره بر اساس ترتیب نزول سوره ها، در ردیف چهارم و هفتم و بعد از سوره واقعه و پیش از سوره نمل قرار دارد (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۶۶). هدف این سوره تثبیت قلب پیامبر اکرم ﷺ با خبر دادن از نجات مؤمنان و نابودی

معاندانی است که علی‌رغم وجود آیات فراوان، به آن‌ها ایمان نمی‌آورند (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵). به‌طور عمده، سوره به سه بخش تقسیم می‌شود: نخست ایجاد اطمینان خاطر در پیامبر ﷺ در مقابل اعراض اکثر مردم از آیات (آیات ۱ تا ۶)؛ دوم ارائه نمونه‌هایی از آیات الهی و تأکید بر عبرت نگرفتن بیشتر معاندان (آیات ۷ تا ۱۹۲)؛ سوم دفاع از کرامت قرآن و پیامبر ﷺ و راهبری او در مواجهه با جمعیت انبوه معاند و مشرک (آیات ۱۹۳ تا ۲۲۳) (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۲۱۶).

آیات بخش اول این سوره، تسلی‌بخشی و دل‌داری دادن به پیامبر، از راه تهدید اجمالی دشمنان ایشان و ترسیم چشم‌اندازی روشن از غلبه پروردگار در برابر دشمنانی است که زیر بار پذیرش آیات نمی‌روند. در ادامه این مطالب، مبحث رویش گیاهان بر روی زمین را بیان می‌کند، سپس به افرادی اشاره می‌کند که از این نشانه‌های الهی پند نمی‌گیرند و این آیات را تکذیب می‌کنند. در آیات بعد، قصه بعضی از پیامبران را بیان می‌کند که توسط قوم خود طرد و تکذیب شدند. این اقوام در نهایت هلاک شدند و پیامبران و پیروانشان به پیروزی رسیدند. در این بین، با بیان قصه نوح ﷺ و قوش و فرجام عبرت‌آمیز مشرکان قوم او (شعراء: ۱۰۵-۱۲۲)، ظالمان مکی را از رویارویی با پیامبر و گرفتار شدن به فرجامی مشابه با سرنوشت قوم هلاک‌شده می‌ترساند و با نشان دادن پیروزی و غلبه اراده خدا از جهت لطفی که به نوح ﷺ و مؤمنان همراه او داشت، به پیامبر تسلی خاطر می‌بخشد.

قرآن در سوره شعراء، بعد از پایان ماجرای ابراهیم و گفت‌وگوی با قوم گمراهش، از قوم نوح سخن گفته و لجاجت آن‌ها را با عاقبت دردناکشان بازگو می‌کند. در ابتدا قوم نوح را تکذیب‌کننده همه رسولان معرفی می‌کند (شعراء: ۱۰۵). این آیه قوم نوح را تکذیب‌کننده همه رسولان می‌خواند؛ هرچند ایشان به غیر از نوح ﷺ پیامبر دیگری را تکذیب نکردند. دلیل این انتساب آن است که همه انبیا در دعوت به توحید متفق بوده‌اند. پس اگر مردمی یکی از ایشان را تکذیب کند، درحقیقت همه را تکذیب کرده است و به همین جهت ایمان به بعضی از ایشان بدون ایمان به بعضی دیگر، کفر به همه آنان خوانده شده است (نساء: ۱۵۰) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۹۵). این احتمال نیز وجود دارد که اصولاً قوم نوح منکر همه ادیان و مذاهب بودند و تمام پیامبران الهی را قبل یا بعد از ظهور نوح، تکذیب می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۸۰).

خداوند برای قوم نوح برادری از ایشان را به لحاظ نسبی (ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۸۷) به پیغمبری مبعوث کرد؛ نژادپرستی آنان سبب خودداری ایشان از پیروی رسالت‌های الهی نشود (شعراء: ۱۰۶). تعبیر «أخوهم» (برادرشان) در این آیه، نمایانگر پیوند نزدیکی است که نوح ﷺ با قوم خود داشت و بدون آنکه چیزی از آن‌ها بخواهد، آن‌ها را به پرهیزگاری دعوت می‌کرد. نوح ﷺ در میان قومش مانند پیامبر اکرم ﷺ با صفت امانت‌داری شناخته شده بود (ملاحویش، ۱۳۸۲ق، ج ۲، ص ۲۸۷) و به آن‌ها گفت: «شما هیچ خیانتی در ادای رسالت الهی از من نخواهید دید» (شعراء: ۱۰۷). استناد به امانت‌داری نوح ﷺ، اولین عنصر جدیدی است که در داستان او در این سوره به آن استناد شده است (دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۳، ص ۲۵۳). امانت‌داری یکی از ویژگی‌های اساسی برای پذیرش مسئولیت و کارگزاری در تمدن اسلامی است. شهروند تمدن‌ساز شهروندی است که نفس خود را به صفت امانت‌داری بیاراید و امین دیگران باشد. این ویژگی آن‌قدر اهمیت دارد که شرط نزول وحی بر انبیای الهی دارا بودن آن است و پیامبر اکرم ﷺ نیز قبل از نبوت، در بین مردم عربستان به «محمد امین» شهرت داشت (ابن‌هشام، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۱۱۸). نوح ﷺ در ادامه آن‌ها را به پرهیزکاری دعوت می‌کند (شعراء: ۱۰۸). مقدم داشتن «تقوا» بر «اطاعت» به خاطر این است که تا ایمان و

اعتقادی نسبت به «الله» و ترس از او در میان نباشد، اطاعت از فرمان پیامبرش صورت نخواهد گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۲۸۱). در این سوره نیز یکی از مؤلفه های اساسی تمدن انبیای الهی، وجود تقوا در میان شهروندان معرفی شده است.

دومین عنصر جدید در داستان نوح ﷺ در این سوره این است: نوح ﷺ برای اثبات حقانیت خود، به نخواستن مزد از آنان استدلال می کند (دروزه، ۱۳۸۳ ق، ج ۳، ص ۲۵۳). او با این تعبیر فهمانده است که به جز خیرخواهی منظوری ندارد (شعراء: ۱۰۹). همین سخن از لسان پیامبر اکرم ﷺ خطاب به مشرکان نیز آمده است (نک: ص: ۸۶). وقتی چنین است، باید از او امر او اطاعت کنند (شعراء: ۱۱۰). علت به کار بردن ترکیب «رَبُّ الْعَالَمِينَ» به جای «الله» در جمله «إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»، دلالت صریح تر بر موضوع توحید است؛ چون مشرکان خداوند را معبود عالم آلهه می دانستند و معتقد بودند که برای هر عالمی الهی جداگانه هست و آن را به جای خدا می پرستیدند. بنابراین در برابر اینان باید این معنا را اثبات کرد که خداوند رب همه عوالم است و غیر از خدا هیچ اله دیگری نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۵، ص ۲۹۶).

در آیات ۱۱۱ تا ۱۲۲، به بهانه جویی های قوم نوح و پاسخ نوح ﷺ به آن ها می پردازد. قوم نوح به ایمان آوردن افراد فقیر به او ایراد می گرفتند و می گفتند: چگونه انتظار داری ثروتمندان سرشناس به تو ایمان بیاورند؟ «قریش هم این گونه بودند و درباره اصحاب حضرت رسول ﷺ این گونه سخن می گفتند (انعام: ۵۲). پیروان انبیا نیز همواره این گونه بودند و این نکته از نشانه های آن ها به شمار می رفت. ندیدی وقتی که هرقل از ابوسفیان سؤال کرد که پیروان حضرت محمد ﷺ چه کسانی هستند؟ ابوسفیان گفت: مردم ضعیف و پست. هرقل گفت پیروان انبیا همواره اینگونه اند» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۳۲۴). ابن عطیه نیز گفته است: «رفتاری که قریش با عمار بن یاسر و صهیب رومی داشتند، مانند این رفتار قوم نوح بود که از ضعیف بودن پیروان آن حضرت عیب جویی می کردند» (ابن عطیه، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۲۳۷). ولی نوح ﷺ آن ها را در اینجا فوراً خلع سلاح کرد و گفت: وظیفه من دعوت همگان به سوی حق و اصلاح جامعه است. من چه می دانم آن ها چه کاری داشته اند؟! اکنون مهم این است که آن ها دعوت فرستاده خدا را پذیرفته اند و به دنبال تهذیب و تزکیه خود هستند. اگر در گذشته هم گناهی انجام داده باشند، حساب آن ها با خداوند است. مهم امروز است که قلب خود را در اختیار حق گذاشته اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۵، ص ۲۹۷). آنچه وظیفه من است، این است که پر و بال خود را برای همه حق جویان بگشایم و ایمان آورندگان را طرد نکنم. مرا فرستاده اند تا بندگان را از کفر و معاصی بترسانم؛ چه عزیز و بااقتدار باشند، یا ذلیل و بی مقدار. پس چگونه سزاوار باشد که برای طلب پیروی اغنیا، فقرا را طرد کنم (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۶، ص ۴۶۵). عکس العمل این قوم گمراه در برابر نوح ﷺ این بود که اگر از این سخنان خودداری نکنند، سنگسار خواهد شد (شعراء: ۱۱۶). تعبیر «مِنَ الْمَرْجُومِينَ» نشان می دهد که سنگسار کردن در میان آن ها در مورد مخالفان سابقه داشته است. آن ها در حقیقت به نوح ﷺ گفتند: اگر به این گفت و گوها و دعوت به سوی توحید ادامه دهی، بر سر تو همان خواهد آمد که بر سر سایر مخالفان ما آمد و آن سنگسار کردن است که یکی از بدترین انواع قتل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۲۸۵). آلوسی در روح المعانی «رجم» را به معنای ناسزا گرفته است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۹، ص ۱۰۸).

در پایان قصه در این سوره، گفت و گوی نوح ﷺ با خدا مطرح می شود. نوح ﷺ که می بیند این دعوت مستمر و طولانی، با این منطق روشن و با آن همه صبر، جز در عده قلیلی تأثیر نگذاشته، سرانجام شکایت به درگاه خدا می برد و ضمن شرح حال خود، تقاضای جدایی و نجات از چنگال این ستمگران بی منطق می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۲۸۶). باز در این قسمت

داستان در این سوره، بر دعای نوح علیه السلام تأکید شده که خود بیانگر جایگاه ویژه دعا در تمدن اسلامی است. نوح علیه السلام و یارانش با رحمت خداوند نجات یافتند و عذاب الهی شامل حال تکذیب‌کنندگان شد (شعراء: ۱۲۰-۱۱۹). در این آیات نیز مانند سوره اعراف، طرح پرورش انسان‌های صالح به عنوان یکی از پایه‌های تمدن اسلامی قابل تأمل است. در پایان داستان می‌فرماید: در ماجرای نوح علیه السلام عبرتی برای همگان است؛ هرچند بیشتر آن‌ها ایمان نیاوردند (شعراء: ۱۲۱). از نظر تشریف، روی سخن با رسول گرامی صلی الله علیه و آله است و خداوند صفت قدرت و قهر خود را درباره سرکوب نمودن کفار یادآوری کرده؛ همچنین رحمت و فضل ساحت کبریایی را درباره پیروان رسولان یادآوری فرموده است (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۴۳).

۲-۴. قصه نوح علیه السلام در سوره یونس؛ عبرت گرفتن مشرکان از فرجام مخالفان وحی

سوره یونس طبق قول جمهور، مکی است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۵) و در ردیف پنجاه و یکم از آن‌ها قرار دارد. پیش از آن سوره اسراء و پس از آن سوره هود نازل شده؛ لکن در ترتیب الفهرست در رتبه‌ای متأخر، پیش از سوره حجر و پس از سوره هود قرار گرفته است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ب، ص ۲۳۱). از سوی دیگر، سیوطی از عطا نقل می‌کند که سوره یونس مدنی است. البته این ادعا دلیل روشنی ندارد؛ خصوصاً آنکه محتوای سوره با فضای حاکم بر سوره‌های مکی تناسبی کامل دارد و در جدول‌های ترتیب نزول از جمله روایت ابن عباس، مکی شمرده شده است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ج ۱، ص ۱۱۱). هدف از نزول این سوره به یقین رساندن مردم در مورد رسالتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آن فرستاده شده است؛ به علاوه تأکید بر وحی‌انیت قرآن و بیان سرنوشت مشرکان و مؤمنان به این حقیقت و توجه دادن معارضان مکی به حوادث اجتماعی عبرت‌آموز تاریخ (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ص ۲۳۳). سوره یونس زمانی نازل شد که مشرکان مکه به بهانه جذابیت قرآن، به پیامبر نسبت افسونگری و ساحر بودن می‌دادند. خداوند در این سوره، بر الهی بودن قرآن و ربوبیت تشریحی خداوند تأکید می‌کند و از این طریق برخی از شبهات مشرکان در این باره را پاسخ می‌دهد؛ سپس معارضان را به عبرت‌گیری از وقایع پیش‌آمده میان نوح و قومش دعوت می‌کند تا ضمن بیان استقامت پیامبران در مقابل مخالفان، روشن شود علی‌رغم مشکلاتی که معارضان برای پیامبران به وجود آوردند، پیامبران و پیروانشان پیروز میدان بودند و سرانجام معاندان شکست و خواری بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ب، ص ۲۳۳).

قصه نوح علیه السلام در این سوره، تنها در سه آیه و بسیار مختصر مطرح شده است (یونس: ۷۱-۷۳). در این سه آیه، مباحثی مانند یاری رساندن نوح علیه السلام توسط خدا، نجات مؤمنان و هلاکت تکذیب‌کنندگان ذکر شده است. هدف از طرح این قصه در این سوره، بیان سرگذشت مفصل ایشان نبوده، بلکه ظاهراً هدف این است که بخش پایانی سرنوشت نوح علیه السلام و قومش مطرح شود و عبرتی باشد برای مشرکان مکه و کسانی که از آیات الهی پیروی نمی‌کنند (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ب، ص ۲۳۳). آخرین حلقه قصه نوح در این آیات، حلقه چالش و مبارزه طلبی واپسین است که پس از بیم دادن فراوان و پند و اندرز و تکذیب طولانی سر می‌رسد. این آیات بیانگر معامله خدا با قوم تکذیب‌کننده نوح است. خدا آن‌ها را هلاک کرد و مؤمنان را نجات داد. هدف از بیان این سرگذشت، عبرت گرفتن اهل تکذیب از این امت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۲). ضمیر «هُم» در جمله «وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ» به مشرکان معارض مکی برمی‌گردد که به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت افترا بر خدا می‌بستند. جنبه عبرت قصه نوح علیه السلام با مردمش، به همین گفته «إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ» برمی‌گردد. از این عبارت می‌توان فهمید که این سخنان نوح علیه السلام هنگامی گفته شده که آن حضرت دعوتش را اظهار کرده و با معارضه‌های قومش مواجه شده بود (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ج ۵، ص ۱۲۴). این آیات حاکی از این معناست: ای محمد، قصه نوح

را برای مردم تلاوت کن که چگونه یک‌تنه در برابر همه مردم دنیا ایستاد و به آنان گفت هر کاری که می‌توانند با او بکنند و در باب رسالت خود با آنان اتمام حجت نمود (یونس: ۷۱). این همان مبارزه‌طلبی است که در این سوره در برابر تهمت ساختگی بودن قرآن خطاب به مشرکان مطرح شد (یونس: ۵۱). هدف نوح علیه السلام از به کار بردن این روش، عاجز کردن طرف مقابل است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۳). این آیات در مکه و در زمانی نازل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در شرایطی مشابه نوح علیه السلام زندگی می‌کرد و مؤمنان در اقلیت بودند. قرآن به این ترتیب به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز دستور می‌دهد که به قدرت دشمن اهمیت ندهد، بلکه با قاطعیت و شهامت پیش برود؛ چراکه تکیه‌گاهش خداست و هیچ نیرویی تاب مقاومت در برابر قدرت او را ندارد. از این آیه، شدت توکل پیامبران به خدا و قوت ایمانشان به غلبه خدا در تحقق اراده‌هایش استفاده می‌شود؛ همان‌طور که بزرگی خدا در چشمان انبیا و اولیای خدا و کوچکی غیر او به روشنی نمایان است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ج ۵، ص ۱۲۴). بنابراین یکی از ویژگی‌های شهروند تربیت‌شده در تمدن انبیای الهی، توکل به خدا و توسل به منبع لایزال الهی در هنگام بروز مشکلات است.

آیه بعد (فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُمْ مِنْ أَجْرٍ...)، بیانگر اثبات حقانیت نوح و نتیجه توکل وی بر خداوند است؛ «بدین معنا که اگر از پذیرفتن دعوت من اعراض کنید، من کمترین ضرری نخواهیم دید؛ زیرا وقتی از اعراض شما متضرر می‌شوم که از شما پاداشی خواسته باشم و با اعراض شما آن پاداش از من فوت شود. با اینکه من هیچ مزدی از شما نخواسته‌ام و پاداشم به عهده خداست، دیگر چه بای از اعراض شما داشته باشم؟» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۰۳). نوح علیه السلام سپس بیان می‌کند: «من مأمورم از کسانی باشم که امور را تسلیم خدا کرده‌اند (یونس: ۷۲) و مأمورم از کسانی باشم که نسبت به امر خدا استکبار ندارند و تسلیم اسباب ظاهری نیستند و در برابر آن‌ها خاضع نمی‌شوند و توقع نفع و ضرر از آن‌ها ندارند». با وجود اتمام حجت نوح علیه السلام، قومه رسالت او را تکذیب کردند. در نتیجه خداوند نوح علیه السلام و همه کسانی را که همراه وی بودند و در کشتی سوار شدند، از هلاکت نجات داد و آن‌ها را جان‌شینان قوم نابودشده‌شان کرد. او کسانی را که نشانه‌هایش را تکذیب کردند، نابود کرد. پس هر کس باید نگاه کند و فرجام کسانی را که به آن‌ها هشدار داده شد، بنگرد (یونس: ۷۳) (بهجت‌پور، ۱۳۹۴الف، ج ۵، ص ۱۲۵). خطاب آیه به تمامی مخاطبان پیامبر است، تا به این واقعه با دیده عبرت بنگرند.

۵-۲. قصه نوح علیه السلام در سوره هود؛ اثبات الهی بودن قرآن و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله

سوره هود که پنجمین سوره در سیر نزول قصه نوح علیه السلام است، در ردیف سور مکی واقع است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۳۶). این سوره در تمام جداول ترتیب نزول، در ردیف پنجاه و دوم، بعد از سوره یونس علیه السلام و قبل از سوره یوسف علیه السلام قرار گرفته است. هدف از نزول این سوره، بیان واکنش ناشایست مشرکان مکه در مقابل موضوعات مهمی چون توحید، الهی بودن قرآن و رسالت پیامبر و همچنین راهنمایی پیامبر و یادآوری مسئولیت‌های او برای گذر از این چالش و مقابله با افراد لجوج و سرکش است. در این سوره، خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را از مکر کافران مکی آگاه می‌کند و با تقاضای آوردن ده سوره مثل قرآن، آن‌ها را به مبارزه فرامی‌خواند. در ادامه از انبیائی که اقوامشان زیر بار توحید عبادی و اطاعت از فرمان‌های الهی نرفتند و نابود شدند، نمونه می‌آورد و بدان توجه می‌دهد (بهجت‌پور، ۱۳۹۴اب، ص ۲۳۶). در آیات ۲۵ تا ۴۹ سوره هود، سرگذشت قوم نوح که در برابر پیامبرشان ایستادند و اسباب نابودی خود را فراهم کردند، مطرح شده است.

قصه نوح در این سوره مفصل‌تر بیان شده است. در آیات ۲۵ تا ۳۰، آن بخش از داستان که در سوره‌های قبل هم بیان شده بود، مطرح گردیده است. در آیات ۳۱ تا ۳۵ حلقه جدیدی از قصه نوح بیان می‌شود. در این بخش، نوح علیه السلام در پاسخ ایرادهای قومش به آن‌ها می‌گوید: «اگر شما فکر می‌کنید، من جز وحی و اعجاز امتیازی بر شما داشته باشم، اشتباه است. نه خزائن الهی در اختیار من است و نه می‌توانم هر کاری را بخواهم انجام دهم. از غیب هم آگاهی ندارم و فرشته هم نیستم» (هود: ۳۱). این آیه از قول پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نقل شده است (انعام: ۵۰). در پایان این بخش، درباره مؤمنان مستضعف می‌گوید: «من هرگز نمی‌توانم درباره این افرادی که در چشم شما حقیرند، بگویم: خداوند هیچ خیر و پاداش نیکی به آن‌ها نخواهد داد». آنگاه به جهت متذکر شدن اشتباه کافران می‌افزاید: «خدا بهتر می‌داند که در دل‌های آنان چه ارزش‌ها و یا ضد ارزش‌هایی وجود دارد» (هود: ۳۱). مقصود او آن است که ظاهر حال افراد، ملاک خیر واقعی و داشتن کرامت نیست؛ بلکه نفوس بشر ملاک است. اگر نفوس آن‌ها به فضایل درونی و معنوی آراسته گردد، دارای کرامتند و تنها خداوند است که از باطن دل مؤمنان آگاه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۲۱۴). از این قسمت داستان می‌توان به یکی از مؤلفه‌های تمدن اسلامی پی برد که عبارت است از: حمایت از مستضعفان و دمیدن روح خودباوری در آنان. حضرت علی علیه السلام، از جلب اعتماد توده‌های مردم از سوی دستگاه حاکم و بی‌اعتمادی گروه‌های اندکی که همواره خود را از دیگران برتر می‌پندارند، به عنوان یک اصل یاد می‌کند و می‌فرماید: «برای والی، هیچ‌کس پرخرج‌تر در هنگام آسایش، کم‌کمک‌تر در هنگام سختی، متنفرتر از عدالت و انصاف، پرتوقع‌تر، ناسپاس‌تر، عذرناپذیرتر و کم‌طاعت‌تر در سختی‌ها، از خواص نیست. همانا استوانه دین و نقطه مرکزی جامعه مسلمانان و مایه پیروزی بر دشمن، عموم مردم هستند. پس توجهت همواره به این طبقه معطوف باشد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). سپس قوم نوح در پاسخ استدلال‌های او گفتند: «ای نوح، با ما مجادله کردی و زیاد هم مجادله کردی. اگر راست می‌گویی، به وعده‌ای که داده‌ای عمل کن» (هود: ۳۲). از آنجاکه درخواست قوم کافر به آوردن عذاب برای ناتوان جلوه دادن نوح علیه السلام بود، وی در پاسخشان گفت: «عجز من ملاک نیست و ناتوانی خدا مانع عذاب شدت‌ان است. اما شما هرگز نمی‌توانید او را عاجز کنید». این جمله تنزیه دیگری برای خداوند و نیز جوابی است از تعجیزی که کفار نسبت به نوح علیه السلام ابراز کردند؛ چون ظاهر بی‌اعتنایی کفار به انذار آن جناب از عذاب الیم، این است که گویی خواسته‌اند بگویند: تو نمی‌توانی هیچ کاری بر علیه ما انجام دهی (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۵، ص ۲۳۴). نوح علیه السلام در ادامه گفت: «تنها کاری که از دست من بر می‌آید، نصیحت است. اما پند بی‌شائبه من به شرطی سود می‌دهد که خدا غرق شدن شما در تباهی و انحرافات از هدف و مقصود را اراده نکرده باشد (هود: ۳۴).

قرآن کریم در میانه قصه نوح، به سخن ناشایست کافران عصر پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ می‌دهد. آن‌ها با شنیدن آیات متضمن قصه نوح، به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت زدند که او این قصه‌ها را از پیش خود می‌سازد و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد. این تهمت را بارها به پیامبر صلی الله علیه و آله زده بودند. در این آیه موقتاً قصه نوح رها می‌گردد و خداوند به این تهمت پاسخ می‌دهد (حبنکه الميدانی، ۱۹۶۷م، ج ۱۰، ص ۳۵۹) و می‌فرماید: «یا می‌گویند که پیامبر این سخنان را به دروغ آورده است. تو ای پیامبر، در پاسخ آنان بگو: اگر من آن را به دروغ آورده باشم، مسئولیت آن به گردن من است و من از گناهانی که شما پیوسته مرتکب می‌شوید، بی‌زارم» (هود: ۳۵) (جعفری، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۲۱۵). مراد آیه این است که نکند باز این کافران مکی، به جای پند گرفتن از جریان نوح و قومش، به انکار آن روی آورند و ادعا کنند که تو آن را از پیش خود ساخته و به خدا نسبت داده‌ای. اگر چنین کردند، بگو: بر فرض این داستان بافته من باشد و من در انتساب این حادثه به خدا مجرم باشم؛ اما آیا مطالب آن، چیزی جز حقیقت ناب است؟! آیا تکذیب ربوبیت خدا و انکار رسالت و

رستاخیز که شما انجام می دهید، جرم نیست؟! گناه شما دامنتان را خواهد گرفت؛ ولی من با اتمام حجت من از جرمی که انجام می دهید، بیزاری می جویم (بهجت پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۵، ص ۲۳۸). این آیه در عین بیان سرگذشت قوم نوح، در مقام کنایه به رفتار مشرکان مکه نیز هست؛ زیرا دعوت نوح علیه السلام و احتجاج‌هایی که علیه وثنیت قومش داشت، به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و احتجاج‌های آن جناب علیه وثنیت قومش، بسیار شبیه است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۰، ص ۲۱۸). بنابراین، با توجه به این آیه می‌توان نتیجه گرفت که یکی از روش‌های جوامع متمدن دینی جهت اسکات و اقناع مخالفان، هم‌وردطلبی است. در همین راستا، اگر دشمن شروع به تبلیغات روانی علیه جامعه مسلمانان کرد، آنان درمقابل باید از همین حربه علیه آن‌ها استفاده کنند. آنان باید مصادیق جنگ رسانه‌ای را بشناسند و جهت خنثی کردن و ضدّ حمله به دشمن بکوشند (هود: ۳۸).

ادامه آیات (۳۶ تا ۴۰) قصه ساخت کشتی و طوفان است که در سوره‌های پیشین مطرح نشده بود. با تأمل در این آیات می‌توان به جایگاه ویژه اقتدار صنعتی و اقتصادی در کمال تمدن جوامع دینی پی برد. از منظر قرآن، برخورداری جامعه مؤمنان از تمکن مالی که مایه عزت (منافقون: ۸) و استقلال جامعه دینی (نساء: ۱۴۱) شود، از عناصر مهم جوامع متمدن است. فنّ کشتی‌سازی نوح علیه السلام در راستای اقتدار صنعتی و وجود هر جفت از حیوانات در کشتی در راستای اقتدار اقتصادی در خور بررسی است.

اولین عنصر جدید داستان نوح در این سوره، بیان عاقبت فرزند اوست. نوح علیه السلام به دلیل علاقه پدر و فرزند و اتمام حجت بر فرزندش، از او خواست که سوار کشتی شود؛ اما او امتناع ورزید و مانند دیگر کافران غرق شد (هود: ۴۲-۴۷). با توجه به این قسمت داستان، مهر و عطوفت بین اعضای خانواده نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های خانواده در جوامع متمدن دینی در خور بررسی است. اعضای خانواده جامعه متمدن نسبت به یکدیگر رؤف و مهربانند. این مهربانی موجب انسجام آنان و در نتیجه به هم پیوستگی حلقه‌های بزرگتر جامعه دینی می‌شود. البته این نکته قابل تأمل است که جوامع متمدن باید بر مدار ایمان و قانون پایه‌گذاری و اداره شود و روابط خویشاوندی نباید موجب نادیده گرفتن قوانین جوامع گردد.

در سوره هود، مکیان کافر درباره مفتری بودن پیامبر می‌گفتند: اگر او رسول است، چرا همراهش گنج و ملک نیست؟! او اصلاً رسول نیست تا از او گنج و همراهی فرشته بخواهیم. او فردی عادی است که مطالبی را بافته است و به خدا نسبت می‌دهد. بگو: اگر در این نسبتی که به محمد می‌دهید، راست گو هستید و این کلام، بافته خود اوست، برای اثبات این ادعا ده سوره دروغین مانند این کلام بیاورید و در این کار، از جن و ملک و انسان برای همکاری دعوت کنید (بهجت پور، ۱۳۹۴ الف، ج ۵، ص ۱۹۵). در پایان این آیات، نتیجه‌ای متناسب با بیان مفصل قصه طوفان ذکر می‌شود. بیان جزئیاتی که پیامبر و قومش از آن آگاهی نداشتند، دلیل آن است که قرآن وحیی از جانب خداوند است. بنابراین این قصه به منزله شاهدهی بر صحت نبوت پیامبر خطاب به قریش و تکذیب‌کنندگان نبوت آن حضرت است. خداوند با مطرح کردن قصه نوح، به مشرکان هشدار می‌دهد که همه آنچه گفته شد، از اخبار غیبی بود که بر پیامبر وحی شد. این اخبار تکراری نیست و اگر آن اخبار از جانب ما بر پیامبر وحی نمی‌شد، شما نمی‌توانستید در کتب آسمانی دیگر بیابید؛ زیرا آنچه در کتب دیگر وجود دارد، تحریف شده است. ولی آنچه در قرآن است، صدق محض است و خداوند این گونه الهی بودن قرآن و نبوت پیامبر را اثبات می‌کند.

۶-۲. قصه نوح علیه السلام در سوره نوح؛ هشدار به کافران برای هلاکت و اطمینان به مؤمنان جهت پیروزی حق بر باطل

سوره نوح ششمین سوره در سیر نزول قصه نوح و هفتاد و یکمین سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. پیش از آن سوره نحل و پس از آن سوره انبیا فرو آمد. هدف از نزول این سوره راهنمایی عمومی مردم نسبت به سیر دعوت انبیا از ابتدا تا انتهای کار با قوم معاندشان است. فایده بیان این سیر در نمونه دعوت نوح علیه السلام که اولین رسالت دینی را بر عهده داشت، هشدار به کافران برای هلاکت و اطمینان خاطر به مؤمنان جهت نجات و دلداری به پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر حمایت خداوند از دعوت اوست (بهجت پور، ۱۳۹۴، ص ۳۲۶). این سوره در روزهای آخر توقف پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و در نزدیکی‌های مهاجرتش به مدینه نازل شده است. در همین ایام، پیامبر صلی الله علیه و آله درگیری شدیدی با مشرکان داشت و آنان هر روز در برابر دعوت او به بهانه‌هایی متوسل می‌شدند؛ از جمله اینکه هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را به عذاب الهی تهدید می‌کرد، بعضی از لجوجان می‌گفتند: اگر عذاب و کیفری که وعده می‌دهی راست است، پس چرا به سراغ ما نمی‌آید؟! اگر فرضاً عذابی در کار باشد ما دست به دامن بت‌ها می‌شویم تا در پیشگاه خدا شفاعت کنند و این عذاب از ما برداشته شود. فشارهای زیاد به مسلمانان در سال‌های آخر بعثت نه تنها از سوی سران شرک، بلکه گاه از سوی خویشاوندان مسلمانان نیز اعمال می‌شد؛ در مقام نصیحت یا از موضع سرزنش و حتی آزار، و این بر دردهای آنان می‌افزود. در هر روز و شب و حتی در هر ساعت، مجموعه اندکی از مؤمنان به پیامبر صلی الله علیه و آله، در معرض انواع تحقیرها، دشنام‌ها، سرزنش‌ها و شکنجه‌ها قرار داشتند و گاه چنان عرصه بر آنان تنگ می‌شد که خداوند رحمان با نازل کردن آیاتی با محور قصص انبیاء، دل‌های شکسته و روحیه‌های افسرده آنان را جلا می‌بخشید. نزول این سوره و قصه نوح در آن شرایط سخت، به این دلیل بود که هشدار دهد سرانجام مشرکان و تکذیب‌کنندگان قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله، همانند مشرکان قوم نوح خواهد بود؛ همچنین به مؤمنان نوید قطعی آمدن حق و هلاکت باطل را بدهد (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۱۰).

این سوره با قصه نوح را شکل و بیانی متفاوت نسبت به سوره‌های دیگر بیان می‌کند. در سوره‌های دیگر، قصه نوح در سیاق آیات قبل و بعد مطرح می‌شود، ولی تمامی سوره نوح به این قصه اختصاص دارد. در آیات ۱ تا ۴ به بعثت نوح و دعوت قومش به پرستش خدا و به دو نتیجه دین‌پذیری، یعنی آموزش گناهان و طولانی شدن عمر انسان، اشاره شده است. در ادامه، به شیوه‌های تبلیغی او می‌پردازد. نوح علیه السلام برای نفوذ در قوم لجوج خود، دعوتش را از سه روش مختلف دنبال کرد. او گاه تنها مخفیانه دعوت می‌کرد و در نتیجه با عکس‌العمل‌های چهارگانه مواجه شد: «انگشت‌ها را در گوش گذاشتند، لباس‌ها را به خود پیچیدند، در کفر اصرار کردند و استکبار ورزیدند»؛ گاه تنها دعوت علنی داشت و گاه نیز از روش آمیختن دعوت آشکار و نهان استفاده می‌کرد. ولی هیچ‌یک از این‌ها مؤثر نیفتاد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۱۳۶). در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز گروهی بودند که وقتی صدای آن حضرت به آیات قرآن بلند می‌شد، با جار و جنجال و سوت کشیدن چنان غوغایی به راه می‌انداختند که هیچ‌کس صدای او را نشنود (فصلت: ۲۶). در ادامه، نوح علیه السلام به نتایج مادی و معنوی استغفار، از جمله فرو باریدن باران زیاد و افزایش نسل و فرزندان اشاره می‌کند (نوح: ۹-۱۴) و سپس با سیر در آیات آفاقی و اشاره به نشانه‌ها و نعمت‌های خدا، در مورد خداگریزی هشدار می‌دهد (نوح: ۱۵-۲۰). آیات ۲۱ تا ۲۵، به شکوه نوح علیه السلام از قومش و نیرنگ‌بازی و بت‌پرستی آن‌ها اشاره می‌کند و در پایان، عوامل عذاب قوم نوح، یعنی بی‌فایده بودن بقای آنان نه برای مؤمنان و نه برای فرزندان خودشان و دعاها و نفرین‌های او را بیان می‌کند (نوح: ۲۶-۲۸).

این سوره در مکه نازل شده و پیامبر صلی الله علیه و آله و اندک مسلمانان آن زمان در شرایطی مشابه شرایط نوح علیه السلام و یارانش قرار داشتند؛ در نتیجه طرح مسائلی چون مواجهه با دشمنان از طریق استدلال منطقی توأم با محبت و دلسوزی کامل، خسته نشدن در مسیر دعوت به سوی خدا، استفاده توأمان از تشویق و انداز در امر تبلیغ، هشدار به مشرکان لجوج که تسلیم نشدن در برابر حق و گردن نهادن به فرمان خدا عاقبت دردناکی برایشان دارد، موجب تسلی خاطر پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان نخستین می شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ق، ج ۲۵، ص ۵۴). عبادت و تقوا، صبر و استمرار در دعوت و دعا کردن از دیگر مؤلفه های جوامع متمدن اسلامی است که از خلال داستان نوح علیه السلام در این سوره قابل برداشت است. با توجه به بررسی این مؤلفه ها در سوره قبله، در اینجا از ذکر مجدد آن خودداری می کنیم.

۷-۲. قصه نوح علیه السلام در سوره مؤمنون؛ نعمت معنوی هدایت از طریق رسالت

سوره مؤمنون هفتمین سوره در سیر نزول قصه نوح است. این سوره پس از سوره انبیا و پیش از سوره سجده فرو آمد و به استناد جداول ترتیب نزول، هفتاد و چهارمین سوره نازل شده بر پیامبر صلی الله علیه و آله و جزء سور مکی است. هدف این سوره حمایت از مؤمنان و تقویت پایه های ایمان مردم و دعوت به توحید از طریق رسالت و پاسخ به شبهه افکنی کسانی است که در جامعه مؤمنان تفرقه ایجاد می کنند (بهجت پور، ۱۳۹۴ب، ص ۳۳۷).

قصه نوح در سوره مؤمنون به صورت مختصر و در سیاقی متفاوت با سوره های دیگر، با طرح موضوعاتی همچون دعوت نوح، بهانه جویی ها و استدلال های کفار و عذاب الهی و نابودی ایشان بیان شده است. خداوند در این سوره ابتدا سخن را از نعمت های بی شماری آغاز می کند که برای انسان ها فرستاده است. آدمی می تواند از طریق این نعمت ها نیازهای مادی و جسمی خود را برطرف کند و از زندگی در این دنیا بهره ببرد. در ادامه و بعد از بیان نعمت های مادی، از نعمت معنوی هدایت سخن می گوید و انسان ها را به خداپرستی از طریق نعمت رسالت دعوت می کند. انسان برای اینکه بتواند مسیر تکامل خود را به سوی کمال نهایی پیماید، نیاز دارد از نظر مادی و معنوی تأمین شود و برای درک و دریافت معنویات نیاز به راهنمایی فرستاده های الهی دارد؛ به همین دلیل در سیاق آیاتی که نعمت های مادی را بیان می کند، به بیان قصه نوح و نعمت معنوی هدایت می پردازد (مؤمنون: ۲۳-۳۰). آیات بعد موضع گیری اشراف قوم نوح را در برابر دعوت او بیان می کند (مؤمنون: ۲۳-۲۵)، بر اساس سیاق آیات، کافران قوم نوح مطالب این آیات را به همه می گفتند تا مردم را از اطراف نوح علیه السلام دور کنند و برای بیشتر فریفتن مردم می گفتند: «اگر خدا می خواست، ملائکه می فرستاد نه بشر. وانگهی چیز نوظهوری است و در پدران گذشته چنین چیزی سراغ نداریم که بشر نماینده خدا باشد». همچنین نوح علیه السلام را به جنون متهم ساختند. مطالعه زندگی پیامبران الهی به ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می دهد که مخالفان، همین تهمت جنون را به دیگر پیامبران نیز زده اند. از اینجا روشن می شود که روش تهمت زدن در برابر مردان حق، روش مستمر کافران در طول تاریخ بود. اما این تهمت آن قدر بی اساس بود که قرآن حتی پاسخ کافران قوم نوح را نداد؛ چراکه مطالعه زندگی پیامبران نشان می دهد که آنان افرادی عاقل و حکیم بودند و قدرت و سلطه جویی را طلب نمی کردند (بهجت پور، ۱۳۹۴ب، ص ۴۶).

آیه آخر قصه نوح در این سوره (مؤمنون: ۳۰) خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است. خداوند به ایشان اعلام می کند این دعوت و جریانات همراه با آن همه امتحانات الهی است. «هر یک از رسالت های پیامبران و قیام آنان زمینه آزمایشی است که به تناسب سطح افکار اهل هر عصر وسیله آزمایش آنان قرار می گیرد. برحسب حکمت نیز درباره متمدنانی که در مقام مبارزه با دعوت رسولان برآیند،

عقوبتی مقرر فرموده است. درباره قوم نوح پس از دعوت هزارساله او و اجرای سال‌های متمادی آزمایش برحسب مشیت پروردگار، این چنین عقوبت بی‌مانندی به اجرا گذارده شد و جهانی متمرد را به هلاکت افکند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۶۳). عبادت و تقوا، اقتدار صنعتی و نجات مؤمنان، از مؤلفه‌های جوامع متمدن اسلامی است که از داستان نوح علیه السلام در این سوره برداشت می‌شود.

۸-۲. قصه نوح علیه السلام در سوره عنکبوت؛ آزمایش و امتحان، سنت همگانی الهی

آخرین سوره در سیر نزول قصه نوح سوره عنکبوت است. این سوره پس از سوره روم و پیش از مظفین نازل شده و هشتاد و پنجمین سوره مکی است (بهجت پور، ۱۳۹۴اب، ص ۳۷۳). سوره عنکبوت مانند سوره‌های قبل از خود اما با سیاقی دیگر، به قصه نوح و قومش پرداخته است. هدف این سوره آزمایش انسان‌هاست. در این سوره خداوند از امتحان الهی مردم تازه‌مؤمن، به سبب فتنه مردم ستمگر و کافر مکه پرده برمی‌دارد و یادآور می‌شود که این فتنه، عرصه را چنان بر دینداری مردم تنگ می‌کند که ناچار به مهاجرت می‌شوند؛ لذا آن‌ها را برای هجرت آماده می‌سازد. همچنین به دلیل اینکه برخی از تازه‌مسلمانان از این امتحان پیروز بیرون نمی‌آیند، آن‌ها را منافق می‌خواند و از عاقبت رفتارشان بیم می‌دهد (بهجت پور، ۱۳۹۴اب، ص ۳۷۵). سپس برای دلداری پیامبر و پیروانش که تحت فشار و اذیت مشرکان مکه بودند، امتحان‌های سخت پیامبران پیشین و اقوامشان را بیان می‌کند که در مقابل دشمنان و فشارهای آن‌ها چگونه صبر کردند و سرانجام پیروز شدند. نخست از قصه نوح در دو آیه (عنکبوت: ۱۴-۱۵) شروع و آن بخش از قصه نوح را که با وضع مسلمانان آن زمان تناسب داشت، بیان می‌کند. اولین عنصر جدید قصه نوح در این سوره که در متناسب با آیات دیگر این سوره مطرح شده، مدت تبلیغ نوح در بین قومش است. نوح شبانه‌روز قومش را به خداپرستی دعوت کرد و هیچ‌وقت از این کار خسته نشد و ضعف به خود راه نداد. او به مدت ۹۵۰ سال به کار خود ادامه داد، اما باین‌همه گروه اندکی ایمان آوردند. در ادامه خداوند به پیامبر و مؤمنان دستور می‌دهد که در راه دعوت به سوی حق و مبارزه با انحرافات خسته نشوند؛ چراکه برنامه ایشان در مقابل برنامه نوح آسان است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۱۴).

صبر و ایستادگی در برابر مشکلات و تهمت‌های دشمنان، از مؤلفه‌های مهم جوامع متمدن اسلامی است؛ تاجایی که در روایات اسلامی صبر به منزله سر ایمان معرفی شده است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۸۹). از دیدگاه قرآن، صبر از چنان اهمیت والایی برخوردار است که خداوند آن را در کنار یقین، دو علت اساسی برای موهبت امامت معرفی می‌کند (سجده: ۲۴). در سیستم اخلاقی قرآن، فایده صبر در مقابل مشکلات و مصائب، جلب رضایت خداوند است (رعد: ۲۲). لازمه پیمودن مسیر رضای الهی و رسیدن به این فایده نیز، لزوم انجام واجبات و ترک محرمات است که دشواری‌هایی نیز به همراه دارد (آل عمران: ۱۴۲). این سختی‌ها برای امتحان بندگان است (بقره: ۱۵۵).

قصه نوح <small>علیه السلام</small> در هشت سوره بر اساس سیر نزول			
سوره: آیات	عناصر قصه در سوره	پیام قصه	مؤلفه تمدن اسلامی مستخرج از قصه
قمر: ۹-۱۶	تکذیب نوح، تهمت جنون به نوح، دعای نوح، کشتی نوح	انذار و انذارپذیری	دعا کردن، اقتدار صنعتی، برخورداری از کتاب آسمانی
اعراف: ۵۹-۶۴	دعوت به توحید، تهمت گمراهی نوح، فرستاده‌ای از جنس خودتان، تکذیب نوح، نجات مؤمنان و هلاکت تکذیب‌کنندگان	پذیرش ولایت الهی و بندگی خداوند، تنها راه رهایی از عذاب	عبودیت، ایمان به معاد، جهاد تبیین، تقوای شهروندان، پرورش انسان‌های شایسته و تمدن‌ساز، تبشیر و انذار
شعراء: ۱۰۵-۱۲۲	تکذیب نوح، دعوت به تقوا و اطاعت، بهانه‌جویی‌های قوم نوح، امانت‌داری و مزد نخواستن نوح، دعای نوح، نجات مؤمنان و هلاکت تکذیب‌کنندگان	تسلی و تثبیت قلب پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	امین بودن کارگزاران، تقوای شهروندان، دعا کردن، پرورش انسان‌های شایسته و تمدن‌ساز
یونس: ۷۱-۷۳	دعوت به توحید، فرجام پیروی از آیات الهی و مخالفت با آن، مبارزه‌طلبی	اثبات اصالت قرآن و عبرت گرفتن مشرکان از فرجام مخالفان وحی	توکل به خدا، تحدی، انذار و تبشیر
هود: ۲۵-۴۶	دعوت به توحید، بهانه‌جویی‌های اشراف، پاسخ‌های نوح به قومش، ساخت کشتی، مبارزه‌طلبی، چگونگی نزول عذاب، نجات یافتن فرزند نوح	اثبات الهی بودن قرآن و نبوت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	حمایت از مستضعفان، اقتدار صنعتی و اقتصادی، مهر و عطفوت بین اعضای خانواده، قانون‌مداری، مقابله با جنگ روانی دشمنان، تبشیر و انذار
نوح: ۱-۲۸	دعوت نوح، احتجاج نوح با مشرکان، رهبران فاسد عتت عذاب قوم، نفرین نوح	هشدار کافران به هلاکت و اطمینان خاطر مؤمنان از پیروزی حق بر باطل	عبودیت، تقوای شهروندان، صبر و استمرار در دعوت، دعا کردن
مؤمنون: ۲۳-۳۰	دعوت به توحید، استکبار اشراف، تهمت برتری‌جویی و جنون به نوح	نعمت معنوی هدایت از طریق رسالت	عبادت، تقوا، اقتدار صنعتی، بشارت مؤمنان
عنکبوت: ۱۴-۱۵	مدت نبوت نوح، نجات نوح	آزمایش و امتحان؛ سنت همگانی الهی	صبر و ایستادگی در برابر مشکلات و تهمت‌های دشمنان

جدول ۱- قصه نوح علیه السلام در هشت سوره بر اساس سیر نزول

نتیجه‌گیری

سوره‌های قرآن در شرایط زمانی و اجتماعی متفاوتی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است و هر کدام هدفی خاص را دنبال می‌کند؛ به علاوه قرآن هیچ داستانی را به طور کامل نقل نمی‌کند. بلکه داستان‌های نقل شده در هر سوره، در راستای همان هدف کلی سوره است. قصص قرآنی ابعاد مختلفی دارد و هر بُعد آن حاوی یک پیام هدایتی و تربیتی ویژه است. از این رو در موقعیت‌های گوناگون در هر سوره، بخش خاصی از قصص بیان می‌شود. البته همه انبیا در همه زمانه‌ها در یک مسیر حرکت کرده‌اند و برخورد گروه‌های معاند در تمام دوران با ایشان یکسان بوده است. بر این اساس، قصه نوح علیه السلام در هشت سوره قرآن بیان شده است. این سوره‌ها عبارت است از: قمر، اعراف، شعراء، یونس، هود، نوح، مؤمنون و عنکبوت. این هشت سوره در مکه و از آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله تا هجرت ایشان نزول یافته است؛ یعنی در سال‌هایی که مؤمنان در اقلیت و تحت فشار بت‌پرستان بودند. هدف این سوره‌ها نیز دعوت و انذار مشرکان و دل‌داری پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان است. سیر نزول آیات قصه نوح علیه السلام بر اساس دو اصل اعتقادی توحید و نبوت است. دعوت به پذیرش ولایت الهی و نفی ولایت آله‌ها و بت‌ها، فرمان به ترک لجاج و برخورد تند با عقاید باطل مشرکان و خط بطلان کشیدن بر اندیشه‌های پوچ آنان و یادآوری فرجام انبیا و پیروان و مخالفانشان از ویژگی‌های ممتاز این داستان در سوره‌های یادشده است. به مبارزه خواستن ناباوران انبیای الهی نیز یکی از شیوه‌های قرآن در راستای اقناع مخالفان است.

اساسی‌ترین مؤلفه‌های تمدن اسلامی که از بررسی داستان نوح علیه السلام به ترتیب استخراج می‌شود، به قرار ذیل است:

- دعا کردن: مطالعه سرگذشت انبیا در قرآن، از جمله نوح علیه السلام، حاکی از آن است که دعا کردن جایگاه ویژه‌ای در تمدن اسلامی دارد (قمر: ۱۰؛ شعراء: ۱۱۸).
- اقتدار صنعتی و اقتصادی: اقتدار صنعتی یکی از مؤلفه‌های اساسی تمدن اسلامی است که خاستگاه و عامل ارتقای اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی محسوب می‌شود. فن کشتی‌سازی نوح علیه السلام در همین راستا قابل توجه است (قمر: ۱۳؛ هود: ۳۷). اقتدار اقتصادی نیز از عناصر مهم جوامع متمدن است و وجود هر جفت از حیوانات در کشتی، در راستای اقتدار اقتصادی در خور بررسی است (هود: ۳۷).
- کتاب آسمانی: قرآن در فرآیند تمدن‌سازی اسلامی نقش زیربنایی دارد؛ تا حدی که شکوفایی علمی مسلمانان در گذشته برگرفته از آموزه‌های قرآنی بوده است (قمر: ۱۷).
- ولایت‌پذیری و معادباوری: اساسی‌ترین شاخصه تمدن اسلامی خدامحوری است. خدامحوری به معنای اعتقاد به وحدانیت خداوند و توحید در همه ابعاد ذاتی، صفاتی، ربوبی، عبادی، اطاعت، ولایت و حاکمیت است. هم فرد و هم جامعه اسلامی باید در مسیر عبودیت الهی حرکت کند (اعراف: ۵۹). در کنار توحید، ایمان به معاد از مؤلفه‌های مهم تمدن اسلامی است و از این رو، انبیای الهی افق نگاه انسان‌ها را از محدوده زندگی دنیوی بالاتر برده و آنان را با زندگی اخروی آشنا کرده‌اند (اعراف: ۵۹).
- جهاد تبیین: یکی از ارکان جامعه اسلامی روشنگری و تبیین است. انبیا و بزرگان دین و بالتبع هر یک از دینداران، به سهم خود باید همراه با شفقت و دلسوزی دست به روشنگری و تبیین و ابطال فرهنگ استکبار بزنند و در همین راستا در انتظار مزد دنیوی نباشند (اعراف: ۶۱-۶۲).
- تبشیر و انذار: بشارت به نجات مؤمنان شایسته پس از عبور از امتحانات و زندگی در سرزمین سلامت (هود: ۴۸) و تهدید مخالفان و بدکاران (هود: ۲۵)، از روش‌های مهم تربیتی رهبران جوامع متمدن اسلامی است.
- تقوای الهی: قرآن کریم انسان‌هایی را تمدن‌ساز معرفی می‌کند که تقوا را تنها عامل اکرام انسان‌ها می‌دانند. در نتیجه گروهی از مردم دعوت انبیا را لبیک گفتند، و تقوا پیشه کردند و نجات یافتند و در مقابل، گروهی دیگر سخنان آن‌ها را تکذیب کردند و عذاب شدند (اعراف: ۶۴-۶۳؛ شعراء: ۱۰۸).
- پرورش انسان‌های تمدن‌ساز: مطالعه قصص انبیا در قرآن نشان می‌دهد، انبیای الهی نقش اساسی در تشکیل تمدن اسلامی داشته‌اند؛ بدین گونه که انسان‌های شایسته‌ای را جهت تشکیل تمدن دینی پرورش دادند (اعراف: ۶۴؛ شعراء: ۱۱۹).
- امانت‌داری: یکی از ویژگی‌های اساسی برای پذیرش مسئولیت و کارگزاری در تمدن اسلامی امانت‌داری است. شهروند تمدن‌ساز شهروندی است که نفس خود را به صفت امانت‌داری بیاراید و امین دیگران باشد (شعراء: ۱۰۷).
- توکل به خدا: از دیگر ویژگی‌های شهروند تربیت‌شده در تمدن انبیای الهی، توکل به خدا و توسل به منبع لایزال الهی در هنگام بروز مشکلات است (یونس: ۷۱).
- حمایت از مستضعفان: حاکمیت مستضعفان بر زمین مهم‌ترین طرحی است که انبیا از قدیم در بعد سیاسی تمدن داشته‌اند (هود: ۲۷-۳۱).
- هشیاری: یکی از حربه‌های دشمنان، جنگ روانی علیه جوامع است؛ از این رو یکی از وظایف شهروندان جوامع متمدن اسلامی شناخت مصادیق این نوع حربه دشمن و ایستادگی و خنثی کردن آن است (هود: ۳۸-۳۹). در این راستا یکی از شیوه‌های الهی جهت

پاسخ‌گویی به منکران نبوت و اسکات معارضان، فراخواندن آن‌ها به مبارزه طلبی است (یونس: ۷۱).

- مهر و عطوفت بین اعضای خانواده: اعضای خانواده جامعه متمدن، نسبت به یکدیگر رئوف و مهربانند. این مهربانی موجب انسجام آنان و در نتیجه به هم پیوستگی حلقه‌های بزرگ‌تر جامعه مدنی می‌شود. البته این نکته قابل تأمل است که جوامع متمدن باید بر مدار ایمان و قانون پایه‌گذاری و اداره شود و روابط خویشاوندی نباید موجب نادیده گرفتن قوانین جوامع گردد (هود: ۴۲-۴۷).
- صبر و بردباری: صبر و ایستادگی در برابر مشکلات و تهمت‌های دشمنان و طواغیت زمانه و کارشکنی‌های آنان، از مؤلفه‌های مهم جوامع متمدن اسلامی، در حیطه فردی و اجتماعی و از ناحیه رهبر یا ناحیه شهروندان است؛ تا جایی که انبیای الهی مانند حضرت نوح علیه السلام، ۹۵۰ سال برای این هدف تلاش می‌کند (عنکبوت: ۱۴). تمدن‌های نبوی همواره با آزمایش‌های متعددی روبه‌رو بوده‌اند. سنت امتحان از عام‌ترین سنن الهی است و به زمان و مکان و قشر خاصی انحصار ندارد. زمینه‌های آزمایش‌های الهی نیز متفاوت است.
- هجرت: بیشتر تمدن‌های در دل خود مهم هجرتی بزرگ داشته‌اند. هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه از هجرت‌های تمدن‌ساز بشر بوده است. نوح علیه السلام نیز به امر خداوند از سرزمین کفر خارج شد و به همراه پیروانش وارد کشتی نجات گردید و سرانجام در سرزمین سلامت فرود آمد (قمر: ۱۳؛ شعراء: ۱۱۹؛ هود: ۴۰).

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آن‌هاست.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع وجود ندارد.

حمایت مالی

نویسندگان اظهار می‌دارند که در روند تهیه و نگارش این مقاله، هیچ‌گونه بودجه، گرنت یا حمایت مالی دیگری دریافت نکرده‌اند.

فهرست منابع

- قرآن کریم (محمد مهدی فولادوند، مترجم).
 نهج البلاغه (محمد دشتی، مترجم).
 آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن. دارالکتب العلمیة.
 ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ ق). التحریر و التتویر. مؤسسة التاریخ العربی.
 ابن عطیة الأندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز (محمد عبدالسلام عبدالشافی، محقق). دار الکتب العلمیة.
 ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۹۲ ق). سیرة نبوی (مسعود انصاری، مترجم). نشر مولی.
 بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۴ الف). همگام با وحی. التمهید.
 بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۴ ب). شناخت‌نامه تنزیلی قرآن. التمهید.
 بهجت پور، عبدالکریم. (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (مبانی، اصول، قواعد و فواید). سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 جعفری، یعقوب. (۱۳۷۷). تفسیر کوثر. هجرت.
 حبنکه المیدانی، عبدالرحمان حسن. (۱۹۶۷ م). معارج التفكير ودقائق التدبر. دارالقلم.
 حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ ق). انوار درخشان. کتابفروشی لطفی.
 خامه‌گر، محمد. (۱۳۸۹). شبکه معنایی موضوعات قرآن «معرفی شش رویکرد در تفسیر موضوعی قرآن کریم». پژوهش‌های قرآنی، ۱۶ (۶۲-۶۳)، ۲۳۶-۲۷۱.
 دروزة، محمد عزة. (۱۳۸۳ ق). التفسیر الحدیث. دار إحياء الکتب العربیة.
 رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۸۲). قصص قرآن. بوستان کتاب.

- زمخسری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. دار الکتب العربی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). تفسیر جوامع الجامع. مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (احمد قیصر عاملی، محقق). دار احیاء التراث العربی.
- غلامی، رضا. (۱۳۹۶). درس گفتارهایی از فلسفه تمدن نوین اسلامی. سوره مهر.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). دار الکتب العلمیه.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. دار الکتب الإسلامیه.
- کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ ق). الکافی. دار الکتب اسلامیة.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۰). علوم قرآنی. التمهید.
- ملاحویش آل غازی، سیدعبدالقادر. (۱۳۸۲ ق). بیان المعانی. مطبعة الترقی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیه.
- نکونام، جعفر. (۱۳۸۰). درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن. هستی نما.
- یوسفی غروی، محمدهادی. (۱۴۱۷ ق). موسوعة التاريخ الإسلامی. مجمع الفكر الإسلامی.


Components of Islamic Civilization Based on the Historical Process of the Revelation of the Story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an

Somayeh Emadi ¹  Mehri Karimi ² 

1. Assistant Professor, Department of Qur'anic Sciences, Faculty of Qur'anic Sciences and Hadith, University of Maarif Quran va Itrat, Isfahan, Iran (Corresponding Author).

2. M.A. Graduate in Qur'anic Sciences and Hadith, Feyz al-Islam Institute of Higher Education, Khomeini Shahr, Isfahan, Iran.

Corresponding Email: S.emadi64@yahoo.com

 <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>

Introduction

Civilization is the manifestation of purposeful and systematic advances within one or more societies, grounded in a clear worldview that takes on a meaningful and disciplined form and guides society toward its intended destination (Gholami, 2017, p. 31). Hence, civilization has a profound and fundamental relationship with religion, as reflected in the missions of the divine prophets and their paths of guidance. A study of the objectives of the prophets' missions in the Qur'an and their practical conduct demonstrates the foundations of a monotheistic civilization designed to universalize religious teachings and promote human progress in both material and spiritual realms. By carefully analyzing the stories of the prophets and the experiences of their communities, one can discover solutions to some of today's human and social problems.

This research proceeds from the assumption that the story of Noah (PBUH)-as the first prophet of resolute will (ulu al-'azm) and bearer of divine law, whose mission spanned a very long period-contains the earliest indicators and frameworks of civilization-building. Reflecting on this narrative can help guide contemporary humanity, often bewildered and disoriented, toward the reconstruction of a religious civilization. However, since the Qur'an was revealed to the Prophet Muhammad (PBUH) over twenty-three years in varying temporal and spatial contexts, certain questions arise: Which parts of Noah's story were revealed in which surahs, and under what historical and social circumstances? What is the relationship between the revealed verses concerning aspects of Noah's life and the particular conditions of the time and place of revelation? And how does correlating these circumstances with the scope of Noah's story contribute to clarifying the components of Islamic civilization?

The sequential revelation of these narratives certainly contained wisdom, for just as with many truths, if they are examined outside the context of their revelation, their meaning can be misunderstood. This makes it necessary to reconstruct the order of revelation of the prophetic stories in the Qur'an, study the circumstances surrounding each portion of revelation, and analyze them in terms of content, so that the outcomes and lessons of the prophetic narratives may be understood in their situational contexts.

Methodology

This study examines the story of Noah (PBUH) through the method of sequential thematic exegesis (tafsir mawdu'i-tanzili). In this method, the exegete grounds their understanding of the Qur'an in its gradual revelation, analyzing the internal relationships within each verse and the context of the verses within a surah, while also taking into account the temporal, environmental,

and social circumstances of revelation. The exegete then uncovers the epistemic and guiding system of the surahs across the twenty-three years of gradual revelation. By mapping the structural and thematic geometry of the surahs and verses alongside one another, the exegete arrives at a more precise understanding of the Qur'an and the divine objectives behind its revelation (Behjatpour, 2013, p. 46).

This approach allows for pedagogical, historical, and methodological insights into the Qur'an's perspective on a given topic. One of the main benefits of this method is that by studying a topic in the order of revelation, one can grasp the process by which religious values were institutionalized in society—something that is often overlooked in conventional thematic exegesis. For example, while traditional thematic studies of the Qur'anic verses on charity (*infāq*) have explained its importance, types, uses, and obstacles, they have rarely addressed how, through what stages, charitable behavior is cultivated into a lasting moral and social trait. A study of revelation order enables us to answer such questions and trace the process by which a personal act evolves into a social practice (Khomeini, 2010, p. 242).

In this study, the criterion for the order of revelation follows narrations on the subject, the most reliable being that transmitted from 'Aṭā and Abū Karīb, reported by Ibn 'Abbās. Scholars such as Nekounam (2001, p. 142) in *An Introduction to the Dating of the Qur'an* and Behjatpour (2013, p. 345) in *Sequential Exegesis of the Qur'an* have examined these narrations critically and provided ordered tables of revelation.

Findings

The essential components of Islamic civilization derived from the sequential analysis of Noah's story include: prayer; industrial and economic capability; divine scripture; loyalty to divine authority and belief in the afterlife; explanatory jihad; glad tidings and warnings; God-consciousness (*taqwā*); the cultivation of civilization-building individuals; trustworthiness; reliance upon God; support for the oppressed; vigilance; love and compassion within the family; patience and perseverance; and migration.

Conclusion

The Qur'anic surahs were revealed to the Prophet (PBUH) under diverse historical and social conditions, each pursuing specific aims. Moreover, the Qur'an never recounts a prophetic story in its entirety; rather, each story is narrated in fragments across different surahs, each fragment serving the thematic and guiding purpose of its respective surah. The Qur'anic narratives are multi-dimensional, each dimension conveying a particular moral or pedagogical message. Hence, in various contexts, different aspects of a prophet's story are highlighted.

At the same time, all prophets across all ages followed a single path, and the hostility of their opponents displayed consistent patterns throughout history. The story of Noah (PBUH) appears in eight surahs—all Meccan: *al-Qamar*, *al-A'rāf*, *al-Shu'arā'*, *Yūnus*, *Hūd*, *Nūḥ*, *al-Mu'minūn*, and *al-Ankabūt*. These surahs were revealed during the early years of the Prophet's mission, prior to the migration, when the believers were a minority facing severe pressure from idolaters. They aimed both to call and warn the polytheists, and to console and encourage the Prophet and the believers.

The order of revelation of Noah's story is grounded in the twin theological principles of divine unity (*tawḥīd*) and prophethood (*nubuwwa*). Its features include calls to accept God's authority and reject false gods; warnings against obstinacy and harsh opposition to false beliefs; refutations

of empty superstitions; reminders of the ultimate fate of prophets, their followers, and their opponents; and the divine method of calling disbelievers to persuasion through reasoned appeal.

Keywords

Islamic civilization; Qur’anic narratives; story of Prophet Noah (PBUH); sequential thematic exegesis.

Ethical Considerations

Compliance with research ethics. The authors observed the ethical principles in conducting and publishing this scholarly research, and this is confirmed by all of them.

Conflict of interest

The authors declare that they have no conflict of interest.

Funding statement

The authors declare that no funds, grants, or other support were received during the preparation of this manuscript.

References

- The Holy Qur'an (M. Fooladvand, Trans.).
- Nahj al-Balagha* (M. Dashti, Trans.).
- Ālūsī, S. M. (1994). *Rūh al-ma'ānī fī tafsīr al-Qur'ān*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Bahjatpour, A. (2013). *Sequential exegesis (principles, foundations, rules, and benefits)*. Research Institute for Culture and Islamic Thought. [In Persian]
- Bahjatpour, A. (2015a). *Along with revelation*. Al-Tamhid. [In Persian]
- Bahjatpour, A. (2015b). *Sequential encyclopedia of the Qur'an*. Al-Tamhid. [In Persian]
- Darwaza, M. 'I. (1963). *Al-Tafsīr al-ḥadīth*. Dār Iḥyā' al-Kutub al-'Arabiyya. [In Arabic]
- Ebn Hishām, 'A.-M. (1972). *The prophetic sīra* (M. Ansari, Trans.). Neshr-e Mowlā. [In Persian]
- Fakhr Rāzī, M. b. 'U. (1999). *Al-Tafsīr al-kabīr (Mafātīḥ al-ghayb)*. Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Gholami, R. (2017). *Lectures on the philosophy of modern Islamic civilization*. Sūreh Mehr. [In Persian]
- Ḥabannaka al-Maydānī, 'A. Ḥ. (1967). *Ma'ārij al-tafakkur wa daqā'iq al-tadabbur*. Dār al-Qalam. [In Arabic]
- Hosseini Hamadani, S. M. H. (1984). *Anvār-e Derakhshān*. Ketabforushi Lotfi. [In Persian]
- Ibn 'Āshūr, M. Ṭ. (1999). *Al-Tahrīr wa al-tanwīr*. Mu'assasat al-Tārīkh al-'Arabī. [In Arabic]
- Ibn 'Aṭīyya al-Andalusī, 'A. b. Gh. (2001). *Al-Muḥarrar al-wajīz fī tafsīr al-kitāb al-'azīz* (M. 'Abd al-Salām 'Abd al-Shāfi, Ed.). Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Jafari, Y. (1998). *Kosar exegesis*. Hejrat. [In Persian]
- Kashani, M. F. (1957). *Minhaj al-ṣādiqīn fī ilzām al-mukhālīfīn*. Ketābforūshi Mohammad-Hasan Elmi. [In Persian]
- [Khomegar, M. \(2010\). The semantic network of Qur'anic subjects: Introducing six approaches to thematic exegesis of the Qur'an. Qur'anic Studies, 16\(62–63\), 236–271. \[In Persian\]](#)
- Kulaynī, M. b. Ya'qūb. (1968). *Al-Kāfī*. Dār al-Kutub al-Eslāmiyya. [In Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsīr Nemuneh*. Dār al-Kutub al-Eslāmiyya. [In Persian]
- Mallahwīsh Āl-Ġāzī, S. 'A. (1962). *Bayān al-ma'ānī*. Maṭba'at al-Taraqī. [In Arabic]
- Ma'rifat, M.-H. (2001). *Qur'anic sciences*. Al-Tamhid. [In Persian]
- Nekounam, J. (2001). *An introduction to the chronology of the Qur'an*. Hasti-Nama. [In Persian]
- Qorashi, S. A. (1992). *Qamus al-Qur'an*. Dar al-Kutub al-Eslāmiyah. [In Persian]
- Rasouli Mahallati, S. H. (2003). *Stories of the Qur'an*. Bustan-e Ketab. [In Persian]
- Ṭabāṭabā'ī, M. H. (1996). *Al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*. Daftar Enteshārāt-e Eslami, Howzeh Elmiyeh Qom. [In Arabic]
- Ṭabrisī, Faḍl b. Ḥasan. (1991). *Tafsīr jawāmi' al-jāmi'*. Markaz Modiriyat-e Howzeh Elmiyeh Qom. [In Arabic]
- Ṭūsī, M. b. Ḥasan. (n.d.). *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān* (A. Qaysar 'Āmelī, Ed.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
- Yousofi Ghavami, M.-H. (1996). *Mawsū'at al-tārīkh al-islāmī*. Majma' al-Fikr al-Islāmī. [In Arabic]
- Zamakhsharī, M. b. 'U. (1987). *Al-Kashshāf 'an ḥaqā'iq ghawāmiḍ al-tanzīl*. Dār al-Kitāb al-'Arabī. [In Arabic]

How to cite:

Emadi, Somayeh, & Karimi, Mehri. (2025). Components of Islamic civilization based on the historical process of the revelation of the story of Prophet Noah (PBUH) in the Holy Qur'an. *Quran, Culture And Civilization*, 6 (3), 95-118. <https://doi.org/10.22034/jksl.2025.476604.1384>